

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

سیاست ایجاد گروه بندیهای نظامی

تحت هر عنوانی که باشد منافعی با صلح و مصالح خاق کشور ماست!
(پیرامون مصاحبه شاه با نماینده روزنامه مصری «الاهرام»)

تلاشهای شاه برای جان تازه دمیدن در کالبد این ناموفق مانده «شاه ناگزیر به اعتراف شده است هیچیک از کشور های منطقه برای شرکت پیمانهائی علاقمندی از خود نشان نداده اند. پرسش نماینده «الاهرام» در مورد تأمین در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند بسیار جالب و نمودار آنستکه نظر کشور های این منطقه مسئله امنیت با نیت شاه متفاوت است. «الاهرام» سؤال میکند: دیدگاه ایران مفهوم امنیت خلیج فارس چیست؟

سرو، های ایرانی مستقر در مسقط را چگونه می بینید؟ برقراری پیوند میان امنیت خلیج فارس و امنیت خلیج فارس مستقر در مسقط که در نماینده الاهرام به چشم میخورد تصادفی نیست کشور های منطقه دریافته اند که رژیم محمد «امنیت» منطقه خلیج فارس را در گرو تشکیک بندیهای سیاسی و نظامی محسوب می داند که نقش سرکردگی و یا حداقل موقعیت برتر دانه و اما شاه در پاسخ به این پرسش میباید دیدگاه اساسی ما اینستکه امنیت منطقه بایا دنباله در صفا

در کنفرانس از میر تصمیماتی گرفته شد. سازمان منطقه ای همواره فرصت پیوستن کشور های منطقه را به این سازمان داده است. من از اینهم فراتر رفتم. جنوب یکسال و نیم پیش دیداری از کشور های جنوب شرقی آسیا، مالزی، اندونزی، سنگاپور، حتی استرالیا و نیوزیلند داشتم. در بازگشت درد هلی کو تشکیک يك بازار مشترک از کشور های ساحلی اقیانوس هند را مطرح کردم. ولی فکر میکنم در ظرف امروز و فردا عملی نمیشود.

باید گفت از بدو تشکیل پیمان نظامی سنتو و سپس پیمان آر. سی. دی. برای متحرکیت اسپرنا لیستی ایجاد این پیمانها، همیشه این مسئله مطرح بوده است که دیگر کشور های منطقه بتجوی از انحاء به این پیمانها کشانده شوند و شاه پیش از اعضای این پیمانها در این زمینه کوشش نموده است. ولی اکنون که کلهها و کشور های این منطقه به ماهیت امپریالیستی و نو استعماری اینگونه پیمانها آگاه شده اند، روند حوادث در منطقه و بطور کلی در جهان وجود اینگونه پیمانهای نظامی و سیاسی را که از جانب محافل امپریالیستی سرهم بندی میشوند به پدیده منسوخ و وصافه ناچیز تبدیل ساخته است. اینک که

شاه در مصاحبه با سامی هاشم نماینده روزنامه مصری «الاهرام» (اطلاعات ۲۰ خرداد ۱۳۵۵) به مطالب زیادی اشاره کرده که بخش عمده آنها مسائل مربوط به امنیت منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و برخورد رژیم به این مسئله در بر میگردد.

شاه در پاسخ به این پرسش که: «آیا در صدد هستيد کشور هایی مانند عربستان سعودی را به سازمان عمران منطقه ای (آر. سی. دی.) ملحق کنید» گفت:

پیرامون برخی جوانب جبهه ضد دیکتاتوری

برخاسته اند «روز بروز بیشتر رسوخ میکند. قشرهای دمکراتیک و ترقیخواه درون ارتش نمیتوانند نفوذ عمومی را نسبت به رژیم استبداد احساس نکنند ویرای مبارزه علیه آن گرایش از خود نشان ندهند. از آنجا که شاه و درباریان بخش بزرگی از درآمد ملی ایران را بتعاریج میبرند، قشر هایی از محافل سرمایه دار و حتی عناصری از سرمایه داران کلان با غارتگری درباری وارد اصطکاک و تضاد میشوند و غارتگران درباری برای درهم کوبیدن این نوع رقیبان سرمایه دار، پیش به خربه «قدرت سلطنت مستبد» متوسل میگردند. بدینسان می بینیم که خود کلامی رژیم کنونی توده های انبوه مردم، قشر های روز بروز وسیعتری از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران، روحانیون وابسته به خلق، افسران و درجه داران میهن پرست و ترقیخواه، نویسندگان و هنرمندان متحرکی و نیز قشرهای ناراضی سرمایه داران را به عرصه مبارزه هر چه گسترده تر علیه رژیم دیکتاتوری شاه میکشاند.

ولی با وجود تنوع بیسایه این نیرو ها، اثر بخشی مبارزات آنان بهیچوجه با امکانات بالقوه آنان قابل مقایسه نیست. علت آن نیز روشن است: این نیرو ها پراکنده عمل میکنند و تضاربت پراکنده نیز طبعاً بر دشمنی که قدرت متمرکز ساواک و نیرو های مسلح را در اختیار خود دارد، نمیتواند کارگر باشد. ناهمگونی این نیرو ها، تنوع آماجهای مبارزه و منافع ناهمگون آنان (که امریست کاملاً طبیعی) توجه آنها را از دشمن عمده، اصلی و مشترک بسوی هدفهای غیر عمده، فرعی و محدود منحرف میسازد (که امریست نادرست). نظری به کار نامه مبارزات سازمانها و گروههای سیاسی گوناگون ضد رژیم و آماجهای مبارزه آنان نشان میدهد که اکثریت قریب بتمام آنان بسی بیش از آنکه به دشمن عمده، اصلی و مشترک یعنی به رژیم استبداد، بپردازند، به دنباله در صفحه ۲

جبهه ضد دیکتاتوری که حزب توده ایران تشکیل آنرا بعنوان يك اقدام اساسی برای مبارزه فعال و اثر بخش در راه برانداختن رژیم استبداد، بهمه نیرو های مخالف استبداد، اعم از داشتن هر عقیده و نظریه سیاسی و ایدئولوژیک، پیشنهاد کرده است در مرحله کنونی جنبش مردم ایران مبرمترین وظیفه ایست که در برابر این نیرو ها قرار دارد. در اوضاع و احوالی که رژیم استبداد نه تنها هرگونه جنبش انقلابی و دمکراتیک طبقات و قشرهای زحمتکش جامعه، بلکه بی آزار ترین مظاهر ناخرسندی از قانون شکنی، غارتگری و قلد رمنشی خاندان عریض و طویل دربار را به وحشیانه ترین شیوه ها درهم میکوبد، در اوضاع و احوالی که راهزنان ساواکی - سگان زنجیری استبداد، مین ما را برای اکثریت قریب بتمام جامعه به دوزخ واقعی بدل ساخته اند و حتی سرمایه داران و ثروتمندان بزرگ نیز از گزند آنان ایمن نیستند، برانداختن رژیم استبداد الزاماً به هدف عمده و مشترک همه مخالفان این رژیم بدل میگردد و مقدم بر هر هدف دیگر مبارزات آنان میشود.

در جامعه کنونی ایران کمتر قشر و گروه اجتماعی را میتوان سراغ کرد که از خود کلامی شاه و دار و دسته اش، از تشدید بیسایه فشار و اختناق بجان نیامده باشد. و نیز در جامعه کنونی ایران طایفه منع اکید هرگونه فعالیت سیاسی، کمتر طبقه، قشر و گروه اجتماعی را میتوان سراغ کرد که به شکلی از اشکال، عیان یا نهان، علیه رژیم منفور استبداد در مبارزه نباشد. خود سری، بیدادگری و غارتگری بی حساب مشت ناچیزی که بفرمان محمد رضا شاه بر پهنه کشور میتازند، بیوزاری و برآشفته گی همگانی را از حدود طبقات و قشرهای زحمتکش فراتر برده است: نا خرسندی همگانی به محیط ارتش نیز که قاطبه سربازان آن از میان مردم و اکثریت افسران و درجه داران آن از میان طبقات و قشر های متوسط و پایین تر از متوسط

کوچ روستائیان به شهر ها ادامه دارد

وخامت وضع دهقانان

نتیجه ناگزیر سیاست ضد دهقانی رژیم است

کم زمین، گرانی هزینه زندگی و همچنین بره دیگر، این عوامل دهقانان را مجبور نموده دسته به شهرها کوچ کنند. مطبوعات کشور مهاجرت روز افزون دهقانان و خالی شدن ر میدهند و در باره این پدیده اظهار نظر های میشود. عده ای آنرا نتیجه «طبیعی» رشد داری و ورود ماشین به روستا و آزاد شدن نیز میدانند، عده ای دیگر به بالا رفتن سطح دس در شهر و وسوسه گزینش زندگی شهری، را علت عمده ذکر میکنند و نگرانند که دهها شهرهای بی مصرف بیشتر و حتی افراطی کشیده میث ولی برخی دیگر که واقع بین ترند از وضع غ روستا ها، عوامل منفی تشدید کننده مهاجرت، عدم آمادگی شهرها برای جذب نیروی کار غیر روستا بحق ابراز نگرانی میکنند. واقعیت بدیهی است که فقر و خانه خرابی ده و مهاجرت آنان به شهر ها نتیجه جبری رشد داری در کشاورزی است. ولی در شرایط کنو

اگر بغواهییم فهرست وار برشمردیم برخی عواملی که وضع دهقانان را در کشور ما بوخاست کشانده از اینقرار است: سیاست غلط دولت در کشاورزی و بی اعتنائی به سروشت میلیونها دهقان رها کردن آنان بدست رباخواران و سلف خزان تخصیص رفهای درشت اعتبارات دراز مدت و وامهای بلاعوض به زمینداران و سرمایه داران بزرگ داخلی و خارجی، فقدان برنامه ریزی تولید کشاورزی و عدم حمایت از تولیدات داخلی و فقدان سیاست قیمت گذاری همراه با ورود بی حدود و مواد غذایی از خارج، گشودن راه برای تجدید تمرکز زمین در دست زمینداران بزرگ و بی پا کردن دهقانان

تلگراف شاد باش حزب توده ایران به

حزب کمونیست ایتالیا

بمناسبت پیروزی در انتخابات

رفیق انریکو برلینگوئر!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
گرمترین شادباشهای خود را بمناسبت پیروزی درخشان حزب کمونیست ایتالیا در انتخابات اخیر اعلام میدارد.
انتخابات ژوئن ۱۹۷۶ بنصو بازی تأیید سیاست حزب کمونیست ایتالیا بوسله خلق زحمتکش ایتالیا دائر برترتیر، نیادی دمکراتیک جامعه ایتالیا و بایان وضع بحرانی و تأمین صلح و سعادت مجموعه خلق ایتالیا را باثبات میرساند.
پیروزی انتخاباتی شما همچنین صحت راه حل های حزب کمونیست ایتالیا را برای غلظه دادن به حکومت ارتجاعی انحصارهای سرمایه داری و علیه مانور های فاشیسم و امپریالیسم بر ضد دمکراسی، صلح و ترقی مدلل میسازد.
حزب توده ایران از موفقیت بزرگ حزب کمونیست ایتالیا ابراز خرسندی میکند و کالیبی های عظیمتری را برای حزب کمونیست برادر ایتالیا آرزو مینماید.
کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول
ایرج اسکندری

کشتار های بی مسئولیت و جمعی

برای ایجاد محیط رعب و تسلیم

چریکی، خیابان بوعلی را محاصره کردند. عده زیادی از ساکنان این خیابان از سر و صدای مأموران از خواب بیدار شدند. در ساختمان نا تمامی در این خیابان، عده ای از کارگران ساختمانی خوابیده بودند. آنها نیز بر اثر سر و صدا از خواب پریدند و یکی از آنان از پنجره بغیابان سر کشید تا علت شلوغی ناگهانی را دریابد. مأموران ساواک با دیدن او دسته جمعی به طرفش شلیک کردند و در يك لحظه کارگر در خون خود در غلطید. سایر کارگران وحشت زده بر بالین رفیق مقتول خود شتافتند و در حالیکه بشدت زاری میکردند از وحشت فریاد میکشیدند. درخیمان ساواک با مسلسل بسوی آنان شتافتند و بغیال اینکه این جمع پریشان جمعی چریک اند که قصد فرار دارند، آتش مسلسل را از هر سو برپوشان گشودند. در این یورش جنایت بار هشت کارگر زحمتکش شبانه کشته شدند، بی آنکه بدانند برای چه کشته شده اند و چه رهای رنجیده آنان و چشمهای وحشت زده و حیران نشان هنوز دچار گیجی و نابوری بود. درخیمان ساواک هنگامی باشعبه خود پی بردند که دیگر دیر بود، قصاب ها برای پوشاندن جنایت وحشتناک خود، اجساد قربانیان را در نهایت خونسردی همراه بردند. اما تلاش آدم دنباله در صفحه ۲

بربریت رژیم مطلقه روز بروز تشدید میشود. کشتار های بی مسئولیت و جمعی مأموران آدمکش شاه بقصد ایجاد محیط رعب و تسلیم چنان گسترش یافته که دیگر حتی از مردم عابر و تماشاچی هم نمی گذرند و آنها را بی محابا بر کبار گلوله میبندند. مأموران ساواک به بهانه کشف شبکه «خوابکاران» و وقت و بیوقت کوئی را محاصره میکنند، یا خانه ای را زیر آتش مسلسل و نارنجک میگیرند، بی آنکه حتی هویت ساکنان خانه برایشان روشن باشد و یا جرم ساکنان خانه مسلم گردد. از اینهم فراتر رفته ساکنان بیدفاع خانه های اطراف خانه مورد سوء ظن را نیز تنها بر اساس کمترین بد گمانی آماج گلوله قرار میدهند. اینگونه صحنه های فجیع اخیراً چندین بار در تهران تکرار شده است.

یکی از این صحنه ها که هر انسانی را از نفرت و خشم میارزاند، حادثه ای است که اخیراً در «خیابان بوعلی» واقع در «امیر آباد» رخ داد و مردم شاهد قتل بیرحمانه هشت کارگر، شریف زحمتکش بدست مأموران ساواک بودند. جریان چنین است: نیمه شب اول خرداد مأموران شهربانی و ساواک بهانه جستجوی يك خانه

درگذشت

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق یوسف نوری در سن شصت و یکسالگی به بیماری سرطان شکم درگذشت. رفیق لشکری در دوران رضا گرویی از درجه داران ارتش زندانی شد و از زندان قصر با کمونیست های زندانی در مبارزه همکاری کرد. پس از خروج از زندان در ۱۳۲۰ در تأسیس حزب توده ایران شرکت کرد. در دوران فعالیت علمی حزب رفیق لشکری کمیته ایالتی مازندران و مسئول مالی این کمیته در مهاجرت رفیق قنبد تصمیمات خود را در رشته دنبال کرد و بمقام نامزدی علوم رسید. وی از اجتماعی مسئول سازمان پناهندگان سیاسی ایرانی مسکو بود. رفیق لشکری طی تمام زندگی نامه خویش براه حزب، براه طبقه کارگر وفادار و خاخره اش از ضمیر دوستان و همزمانش زحود شد. ما این حادثه را به دوستان و بازماندگان رفیق تسلیت میگوئیم. «مردم»

متأسفانه چاپ عکس رفیق قنبد بعل فنی در ماه «مردم» میسر نگردید.

کشتار های بی مسئولیت ...

ساواک برای پرده پوشی جنایت فجیع خود بی بود و توفانی ازخشم و بیزاری در مردم برانگیخت. دیگری از اینتقیل را جلدان درخانه ای آفریدند مالی بیداد آن بعضی ورود مأموران مسلح بملامت دستها را بالا بردند اما جلدان درنگ نکرده فاصله اقدام به تیر اندازی نمودند. در نتیجه جوان و بیگانه را همراه همسرش بقتل رساندند. قنبد رژیم بجائی رسیده که حتی از پیر زنت رده چریک، میسازد! چندی پیش ساواکی ها را در محله ای محاصره کردند. پیر زن مستخدم به بیرون آمد تا ببیند چه میخواهند. اما پیر زن از همه جا، جلیبا هدف گلوله قرار گرفت و آدمکشان ادعا کردند که گویا پیر زن بسوی ارتاج پرتاب کرده است! جانباں سیه کار رژیم را جان رهگذران نیز ابله نمیکند و در تعقیب رد سوء ظن، هر چینه ای را با گلوله مشبک و سپر بندوق ادعا میکنند که بدست «خوابکار» و قتل شده است. اینگونه حادثه سازیهایی بی مسئولیت را جز به توحش رژیم که از برای دارد، سراسیمه است و احساس ضعف و میکند، چه میتوان تعبیر کرد؟

امروز دیگر همه می بینند نه تنها کسانیکه هند با «مفر» علیل اعلیحضرت بیندیشند، در تهاجم وحشیانه مأموران ساواک اند، بلکه خطر سلجانه جلدان شاه و قتل و نابودی مردم بیگناه تهدید میکند. امروز جز دایره تنگی از این و سرسپردگان رژیم هیچکس بر جان خود نیست. فشار چنان اوج گرفته و ترور دولتی شدید شده که مردم خود کشی افرازی مانند در شقایق رئیس سازمان امنیت خوزستان و امیر فیرایان در لندن رانیز پیل ساواک نوشته اند. اه که ترور و آدمکشی را سرفصل کشورمداری به بدو مدعی است، که یکی از سه اصل واری رستخیز وفاداری به قانون اساسی است. بزرگترین دشمن قانون اساسی است. قانون حتی درو بخانه مردم را بدون حکم دادستان رده است، تا چه رسد به کشتار مردم را بدون ادگاه قانونی و فقط بر اساس «سوء ظن» که ساسل بدست و جنایت پیشه سازمان امنیت! قانون اساسی تا قبل از اثبات جرم از طرف «متهم» را بری میداند، ولی جلدان ساواک بی آنکه جرم و حتی نشان بر آنان فاش شود، فاشستهای هریلری دسته جمعی به گلوله زدیم. که تا این حد در میان مردم منفرد نه از هر چینه ای میترسد، سلطنت مطلقه ای، های آن بر سر نیزه استوار است و از خون ذیه میکند، قابل دوام نیست. وحدت عمل و های ضد استبداد در یک جبهه ضد دیکتاتو تواند و باید به حیات خوئین این رژیم مستبد نشد.

کوچ روستائیان

اما درحین حال برای دفاع از منافع دهقانان در چارچوب همین اصلاحات ارضی ناقص، پیوسته بر حمایت دولت از دهقانان از طریق تجهیز شرکتهای تعاونی روستائی ایجاد شبکه های تعاونی تولید، تجمع داوطلبانه دهقانان در این تعاونها، یکپارچه کردن واحد های کوچک دهقانی و مکانیزاسیون آنها، رساندن کمک های اعتباری و فنی به این شرکتهای خرید محصولات دهقانان به بهای عادلانه و ایجاد و بسط صنایع روستائی تا کید کرده است. ولی رژیم شاه بعکس، سیاست حمایت پندریخ از زمینداران و سرمایه داران بزرگ را در پیش گرفته و کمکهای مادی و فنی خود را بطور عمده برای تقویت واحد های بزرگ کشاورزی سرمایه داران کلان داخلی و خارجی متمرکز نموده است. ما در تمام این سالها تا کید کرده ایم که واحد های بزرگ کشاورزی باید از طریق یکپارچه کردن زمینهای دهقانان و بامشارکت آنان بوجود آید، ولی دولت با پشت کردن به دهقانان کوشید واحد های بزرگ را با حاتم بخشی های کلان به سرمایه داران بزرگ ایجاد کند. اکنون که سیاست کشاورزی رژیم با شکست کامل روبرو شده و مبتکران این سیاست ضد ملی و در رأس آنان شاه رسوا شده اند، حتی روزنامه های دولتی پنهان نمیکند که در این سالها از یکسو وامهای ۲۰۰ میلیون تومانی به سرمایه داران و زمینداران بزرگ پرداخت شده و از سوی دیگر وام های کمتر از ۱۰۰۰ تومان از طرف سازمان تعاون کشاورزی که با ۹۰ درصد روستائیان کشور سر و کار دارد، باید بلافاصله یادآور شد که متوسط وامهای پرداختی به دهقانان در ۱۴ ساله اجرای اصلاحات ارضی، طبق آمار های دولتی برای هر خانوار سالانه در حدود ۵۵۰ تومان بوده است و صد ها هزار دهقان هنوز زیر پوشش تعاونها نیستند. در نتیجه به نوشته روزنامه دولتی «رستخیز» دهقانان مجبور میشوند حتی با بهره ۲۰ درصد از تئور خواران وام بگیرند (رستخیز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۵) دهقانی که باید قسط زمین بپردازد، آب و بنر و کود تهیه کند، بهره سرمای آذر و ماهی دولتی و غیر دولتی خود را بپردازد، خرج خانوادگی اش را تأمین کند، تازه بهنگام بهره برداری از حاصل دسترنج یکساله اش بجلل مختلف محصول روی دستش میاند و میبوسد؛ با دولت بمنظور گرداندن دلار های نفتی به انحصارات امپریالیستی آذر پرداخته و کالای مشابه را وارد کرده و از محصول داخلی بی نیاز است، یا دهقان حتی راه مارو در اختیار ندارد تا محصول را به بازار برساند و یا واسطه ها دسترنج دهقان را چنان اریزان میخرند که برداشت جمل محصول صرف نمیکند. در نتیجه دهقان میبند با دست تهی و غم معاش خانواده در دل، چاره ای ندارد جز آنکه زمین را رها کند و بنامد یافتن ممر معاشی، راهی شهر ها شود که تازه اگر بخش یاری دهد، مشاغل چون کار های ساده ساختمانی و فروش ربیط پشت آزمائی در انتظار اوست. عامل دیگری که مهاجرت روستائیان را تشدید کرده پروسه تجدید تمرکز زمین در دست زمینداران بزرگ بطریق گوناگون است. روزنامه آیندگان سال گذشته نوشت: «خطر در کمین روستاهای روستائی است و بورس یازان زمین دارند در روستاها ریشه میدوانند، اما تنها از طریق بورس یازان نیست که زمینهای دهقانی در چنگ زمین داران و سرمایه داران متمرکز میشود، بلکه خود دولت با بیرون ریختن دهقانان از اراضی زیر سد ها و واگذاری رایگان زمینهای ۱۰ - ۲۰ هزار هکتاری دارای آب و برق و راه به دهقانان کشاورزی؛ و از جمله والا حضرتها، شاهپورها، والا کهرها و کار گزاران و وابستگانشان، واگذاری اراضی خالصه به همین قماش از «داوطلبان کشاورزی» اجبار دهقانان کم زمین به فروش زمینهای خود در درون شرکتهای سهامی زراعی به خانه خرابی دهقانان و تشدید مهاجرت های روستائی کمک میکند. اخیراً نماینده کرمان در مجلس شورا فاش کرد که در حیرت زمینهای آباد دهقانان را در دستشان خارج کردند که میخواهیم واحد کشت و صنعت درست کنیم». (اطلاعات - ۲۲ خرداد ۱۳۵۵) در کشوری که بقول وزیر تعاونش هنوز ۷۷ درصد کل تولیدات کشاورزی و دامپروری وسیله صاحبان اراضی کمتر از ۵۰ هکتار و اکثر ۵ تا ۱۰ هکتار تهیه میشود، نمیتوان مسئله کشاورزی را جدا از مسئله دهقان حل کرد، نمیتوان به سرنوشت میلیونها دهقان زحمتکش بی اعتنا بود و با کیده پر پول بدنبال شتی انگل میلیونر و میلیاردر افاد تا لطف کرده، وامهای بلا عوض دولت را قبول کنند و بکار

پیرامون برخی جوانب

مبارزات «ایدئولوژیک» و «سیاسی» علیه یکدیگر پرداخته اند. بجرات میتوان گفت که در میان تمام سازمانها و نیرو های سیاسی ضد استبداد، حزب توده ایران یگانه حزبی است که آماج عمده مبارزه را، بدروستی تشخیص داده و سمت عمده ضرورت را علیه دشمن عمده و مشترک متوجه ساخته است. «آماجهای فرعی مبارزه حزب هیچگاه نتوانسته است این آماج عمده را تحت الشعاع قرار دهد. از سوی دیگر حزب توده ایران به گروهای اسناد و مدارک موجود بیش از هر سازمان و نیروی سیاسی دیگر ضد رژیم و در موارد بسیار زیاد، حتی بیش از رژیم استبداد، آماج حملات نیرو های مخالف رژیم قرار گرفته است. چنین پدیده ای در محیط تسلط رژیم استبداد، بکلی غیر طبیعی است و آنرا با هیچ برهان و استدلال به هیچ تحلیلی از گذشته نمیتوان توجیه کرد. بسیاری از جریانهایی که بویژه طی سالهای اخیر زود زود پدید میآیند، گاه برای آنکه «زود گل کنند»، بجای تمرکز نیروی عمده خود برای مبارزه علیه دشمن عمده، درجبهه میبندند، «پیکار انقلابی» خود را با تهمت زنی و دشنام گویی به حزب توده ایران آغاز کنند و همار و خرد انقلابی، خود را در این کسج راه بکار برند. و حال آنکه زندگی نشان داده و در آینده نیز بیش از پیش نشان خواهد داد که بیون حزب توده ایران و بطریق اولی در مخالفت با آن، مبارزه علیه رژیم اثر بخشی لازم را نخواهد داشت. دوری جستن از این حزب، زیان سنگینی به مبارزه وارد خواهد ساخت. در نتیجه کار برد این مشی زیانبار و ایرت پراکندگی و ناهماهنگی شوم در صفوف نیرو های سیاسی ضد رژیم، چه فرصت های گرانبهائی که طی سالهای پیشین برای اجرای یکمبارزه اثر بخش علیه رژیم استبداد، از دست رفته است. و از این پراکندگی و ناهماهنگی شوم همیشه رژیم استبداد سود برده است. البته شرکت در جبهه ضد دیکتاتوری به هیچ وجه بمعنی دست کشیدن شرکت کنندگان از جهان بینی و مشی سیاسی آنان نیست. ما هرگز ضرورت مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک نیروهای ضد رژیم استبداد را علیه یکدیگر نفی نکرده و نمیکیم. ولی تا زمانی که دشمن عمده و مشترک یعنی استبداد را در برابر خود داریم، برای این بخش از مبارزه هیچگاه اولویت قائل نداییم و بطریق اولی آنرا متعلق نمیکیم. هیچ انسان دارای عقل سالم نمیتواند دعوی کند که با وجود رژیم استبداد، برانداختن فلان یا بهمان نیروی سیاسی ضد رژیم، شرط مقدم برانداختن رژیم استبداد است. هر کس چنین ادعایی داشته باشد، قطعاً یا تفرقه افکن است و یا غرضجو و این هر دو عملاً همسنگ دستکاری با استبداد است.

جبهه ضد استبداد، در محیط دیکتاتوری سیاه شاه، طبعاً دامنه ای گسترده تر از جبهه واحد خلق کسب میکند و به بیان دیگر این جبهه نیرو ها و جریانهایی را هم که بسبب وابستگی طبقاتی یا انگیزه های سیاسی مشخص، جبهه واحد خلق را نفی میکنند، دربر میگیرد.

هدف از تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری از یک سو تأمین وحدت عمل نیرو ها و جریانهایی است که گرچه اکنون نیز علیه رژیم استبداد در مبارزه اند ولی مبارزات آنان به علت پراکندگی و ناهماهنگی، اثر بخشی لازم را ندارد. از سوی دیگر تشکیل این جبهه میتواند عناصر تازه ای را که از رژیم ناخرسندند، ولی هنوز به مبارزه علیه آن پیراسته اند، به صحنه کشاورزی بپرازند! اگر دولت میلیاردها تومانی را که طی سالهای پس از اصلاحات ارضی بجهت اعشاء خاندان پهلوی، نراقی ها، مهنی ها! ضد هار ریخته است و میلیارد ها دلاری را که در چند سال اخیر صرف خرید مواد غذایی از کشور های امپریالیستی نموده، بمصرف سر و سامان دادن دهقانان در تعاونیهای واقعی دهقانی میکرد، واحد های بزرگ مکانیزه با مشارکت خود دهقانان بوجود میآورد و با کمکهای مادی و فنی خود آنها را تقویت مینمود، مسلماً امروز وضع کشاورزی کشور اینگونه خراب و وضع دهقانان زحمتکش چنین وخیم نبود.

مبارزه در روستاها، افزایش مستمر کارگران کشاورزی و گسترش مبارزات، نسوید آنرا میدهند که زحمتکشان ده بهایه متحدان طبیعی طبقه کارگر دوش بدوش برانکار کارگر خود برای بهبود شرایط زندگی و دفاع از منافع اقتصادی و سیاسی خویش آتش مبارزه را علیه رژیم فروزان تر سازند.

سیاست ایجاد گروهبندیهای ...

کشور های منطقه باشد نه با بیگانگان، آیا در واقع چنین است؟ منظور شاه از بیگانگان چیست؟ کشورها و خفلهای منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند وجود و پایگاههای نظامی امپریالیستی در جزایر مرجانی دیکو گارسیا در اقیانوس هند و مصره در عمان و پیمان نظامی ستو با شرکت دول امپریالیستی را از عوامل میدانند که امنیت خفلهای این منطقه را تهدید میکند ولی شاه در اینمورد یا سکوت اختیار میکند و یا بتحوی از انشاء وجود این پایگاهها را تحت عنوان آنکه وقتی یک «ابر قدرت» هست ناچار «ابر قدرت» دوم هم باید باشد توجیه میکند و حال آنکه در ناحیه بحر پایگاههای امپریالیستهای امریکا و انگلیس از پایگاه دیگری نمیتوان سخن گفت.

امنیت این منطقه از طرف دولی در معرض تهدید و تجاوز است که ثروتهای نفت کشورهای این منطقه را بغارت میبرند و شاه ایران بارها تا کید کرده است که مأموریت حفاظت و تأمین امنیت آبراهه های خلیج فارس را برای کشتیهای نفت کش که ثروتهای نفتی کشور های منطقه را برای کارکالهای نفت جهان غرب حمل میکنند بهعهده دارد. چنین مأموریتی باهدف های تأمین امنیت واقعی در منطقه خلیج فارس هیچ گونه وجه مشترکی نمیتواند داشته باشد. در پاسخ شاه به پرسش نماینده الاحرام در باره سرنوشت نیرو های ایران در مسقط دو نکته شایان توجه است. نخست آنکه تنها رژیم دیکتاتوری و ضد ملی اوست که به یاری رژیم دست نشاندۀ سلطنت قابوس شتافته و با شرکت در این تبهکاری افسران و سربازان ایرانی را در راه منافع دول امپریالیستی قربانی میکند. و ضمناً شتاب در این یاری رساندن به سلطان قابوس نشانه آستسکه محمد رضا شاه از گسترش جنبش در منطقه بیش از همه در وحشت است. نکته دیگر اعتراف ضمنی شاه به ریشه های جنبش ظفار است و حال آنکه خود او ادعا کرده بود که: «شورشیان ظفار صد نفر سر ویا برهته اند» و دولت ایران نیز چند بار قلع و قمع کامل آنها را اعلام کرد. اما شاه در این محاسبه میگوید: «اگر ما سلطان قابوس کمک نمیکردیم برای ارتش ملی آزادبخش خلیج فارس و ساحل آسان بود که بسوی شمال پیشروی کند و هرگز به حدود عمان افکند نمیکرد».

بطور کلی از پاسخهای شاه به نماینده روزنامه «الاحرام» بار دیگر آشکار میشود که تلفی محدردنا شاه از تأمین امنیت منطقه درست برخلاف مصالح و تأمین واقعی خفلهای منطقه است.

دول ترقیخواه و خفلهای منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و بطور کلی کشور های آسیا خرواهان چنان امنیتی هستند که آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی آنان از سوء قصد ها و دستبرد های محافل امپریالیستی و رژیمهای ارتجاعی در امان باشد. چنین امنیتی تنها میتواند با پیمان امنیت جمعی آسیا بر مبنای سیاست همزیستی مسالمت آمیز، قطع مسابله تسلیحاتی و سیاست نظامیگری در منطقه و سراسر آسیا تأمین گردد. ق. پیروز

مبارزه بکشاند. نیرو های مخالف استبداد با استقبال از دعوت حزب توده ایران به تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری، درجه رشد آگاهی اجتماعی و پیچگی سیاسی خود را نشان خواهند داد. در اوضاع و احوال کنونی ایران برای جبهه ضد دیکتاتوری نم الیال دیگری وجود ندارد. بی اعتنایی به این دعوت نشانه فقدان احساس مسئولیت در قبال مبرترین و عاجل ترین وظیفه ای است که اکنون در برابر کلیه مبارزان ضد استبداد قرار دارد. پ. هرمز

«یک کنگره تاریخی»

حزب توده ایران جزو ای تحت عنوان «یک کنگره تاریخی» حاوی تحلیلی از اسناد مصوب بیست و پنجمین کنگره تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی و ترجمه فارسی بخشهای مفصلی از سند عقیده کنگره و احکام و اندیشه های دورانداز آن و نیز گزیده ای از ارزیابی های نمایندگان سه جریان عمده انقلاب جهانی دوران ما در باره شلون گوناگون زندگی و فعالیت حزب کمونیست و دولت و مردم اتحاد شوروی، منتشر ساخته است. مطالعه این جزوه را بتمام علاقمندان به آثار مارکسیستی - لنینیستی توصیه میکنیم.